

Investigating the relationship between partisanship and economic development before the Islamic Revolution (Pahlavi period)

This article was researched and compiled by examining the relationship between economic development and partisanship before the revolution. The question was whether the parties played a role in Iran's economic development before the Islamic Revolution? In terms of methodology, the research is of qualitative and analytical type, which is done by the method of broker structure. The data collection tool was also a summary, a summary. Studies have shown that partisanship in pre-revolutionary Iran is more about political development than economic development. Before the revolution, the parties sought socialism under the rule of society and liberalism under the rule. Mohammad Reza Pahlavi was ostensibly committed to the party system, but he wanted the parties in line with his goals until he succeeded in achieving a one-party system. Prior to this, the formation of parties and their access to decision-making seats was usually done in consultation with and under the supervision of the Shah. Pre-revolutionary development and economic planning was within the framework of the White Revolution and its nineteen-article charter and development plans, which were compiled by the Program and Budget Organization. In other words, it was not a party planning system, but an agent structure.

Economic development, Pahlavi system, land reform, development plan, parties

بررسی رابطه تحزب با توسعه اقتصادی قبل از انقلاب اسلامی (دوره پهلوی)

سوسن خالقی کارسالاری^۱عیسی حسن زاده^۲محمد رضا نعیمی^۳عباسعلی طالبی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

چکیده

این مقاله با هدف بررسی رابطه توسعه اقتصادی و تحزب در دوره پهلوی انجام شد. طرح مسئله از این جا ناشی شد که سابقه تحزب در ایران به دوران مشروطیت مربوط می‌شود، اما تاثیر حزب یا احزاب در توسعه اقتصادی معلوم نیست و تحقیقات مستقل و جدی نیز در این باره انجام نشده است. این مقاله به لحاظ روش شناسی، از نوع توصیفی و تحلیلی است که با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام گردید و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش برداری بود. نتایج مطالعات حاکی از این است که تحزب در ایران دوران پهلوی بیش از هر چیز در توسعه سیاسی جای دارد نه در توسعه اقتصادی. احزاب بیرون از حاکمیت به سوسیالیسم و در درون حاکمیت به لیبرالیسم گرایش داشتند. پهلوی دوم به نظام حزبی پایبند بود اما احزاب را در راستای اهداف خود میخواست تا این که موفق شد به نظام تک حزبی دست یابد. توسعه اقتصادی معمولاً با مشورت و زیر نظر شاه انجام می‌شد. برنامه ریزی عمرانی و اقتصادی نیز در چارچوب انقلاب سفید و منشور نوزده ماده‌ای آن و برنامه‌های عمرانی بود که توسط سازمان برنامه و بودجه تدوین می‌شد. به عبارتی نظام برنامه ریزی حزبی نبود.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، نظام پهلوی، اصلاحات ارضی، برنامه عمرانی، احزاب

۱ دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی اقتصاد و توسعه، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران^۱

۲ استادیار گروه جامعه شناسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران^۲

نویسنده مسئول: عیسی حسن زاده

۳ استادیار گروه جامعه شناسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران^۳

۴ استادیار گروه علوم سیاسی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوادکوه، سوادکوه، ایران^۴

در کشورهای جهان سوم مخصوصاً ایران احزاب به اندازه کافی از رشد و توسعه و مقبولیت عامه برخوردار نبوده‌اند و در امر توسعه نمی‌توان آن را نتیجه تفکر احزاب و برنامه‌های آنها دانست. به همان اندازه که در کشورهای توسعه یافته دموکراسی از حالت صوری و ظاهری برخوردار است، به همان اندازه نیز موضوع توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در ارتباط با احزاب می‌تواند شکل صوری داشته باشد. این موضوع را در احزاب دوران پهلوی دوم با تراحم و دخالت دولت شاهد بود، با این وجود رگه‌هایی از فعالیت احزاب در توسعه سیاسی بیرون از حاکمیت و برنامه ریزی اقتصادی درون حاکمیت دیده می‌شود، این مقاله با هدف بررسی رابطه توسعه اقتصادی و تحزب در دوران پهلوی دوم قصد شناسایی احزاب موثر در توسعه اقتصادی و عمرانی جامعه دارد. بنابر این سئوالی که در این مقاله پاسخ داده می‌شود این است که آیا احزاب دوران پهلوی دوم در توسعه اقتصادی ایران نقش داشتند؟

اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق و تدوین مقاله از نظر علمی به ارتباط ضروری بین نمادهای اصلی توسعه اقتصادی و سیاسی ضرورت دارد که ضمن بیان ویژگی‌های احزاب و توسعه اقتصادی به رابطه علمی میان این دو نیز در نظام برنامه ریزی توجه شده است. شناخت رابطه میان تحزب و توسعه اقتصادی دوران پهلوی دوم، می‌تواند، فوایدی بدین شرح داشته باشد: منجر به شناخت ارکان دولت در ارتباط با توسعه اقتصادی و رابطه آن با توسعه سیاسی می‌شود. نقش و تاثیر توسعه سیاسی در توسعه اقتصادی بازشناسی می‌شود.

هدف مقاله بررسی رابطه توسعه اقتصادی و تحزب در دوره پهلوی است و پاسخ به این سوال که آیا احزاب دوران پهلوی دوم در توسعه اقتصادی ایران نقش داشته اند؟

به لحاظ روش شناسی، تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی است که به روش مطالعه کتابخانه ای انجام می‌شود، ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش برداری از آثار و منابع اصلی و مقالات و تحقیقات مرتبط با موضوع است. منابع اصلی تحقیق را برنامه‌های احزاب و عملکرد دولت‌های دوران پهلوی دوم تشکیل می‌دهند و شاخص‌های توسعه اقتصادی و نقش احزاب در عملکرد اقتصادی دولت با محوریت توسعه را می‌توان مورد تحلیل قرار داد.

پیشینه تحقیق

در رابطه با نقش احزاب در توسعه اقتصادی نمی‌توان آثار تحقیق و تالیفی قوی و موثری یافت، زیرا اساساً حوزه فعالیت احزاب سیاسی در بحث توسعه سیاسی جایگاه محکمی دارد نه در توسعه اقتصادی، زیر در ارتباط با توسعه اقتصادی احزاب نیازمند دست‌یابی به مدارک و مستندات اقتصادی در بدنه کارشناسی دولت هستند که تا زمانی که به قدرت دست نیابند، به این مستندات دسترسی ندارند. به همین دلیل اغلب مطالعات به زمینه‌های توسعه و توسعه سیاسی در ارتباط با احزاب اشاره دارند. یکی از منابع قدیمی که گزارشی از فعالیت احزاب و تحلیل دموکراسی است کتاب تحلیل دموکراسی در آمریکا نوشته و مشاهدات دوتوکویل (۱۸۳۰) است. همچنین مطالعات مربوط به لیپست بر الگوی مشارکت سیاسی در مورد شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف بحث کرده و به موضوع ویژگی جمعیتی مشارکت کنندگان در انتخابات توجه کرده، به طوری که مردان، تحصیل کرده‌ها، شهرنشینان، افراد میانسال، متأهلین، افراد دارای منزلت بالا و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از سایرین در انتخابات شرکت می‌کنند (لیپست، ۱۳۷۳: ۳۷۹-۴۱۸). البته این موضوع با شاخص درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان

مشارکت سیاسی افراد موثر است (بارکان، ۱۹۹۹: ۶۶).^۱ همچنین لایگلی نشان داد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود (مک کلارگ، ۲۰۰۱).^۲ مایکل راش (۱۳۸۰) نیز عقیده دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه‌ای که مشارکت در آن اتفاق می‌افتد، متفاوت است (راش، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

در مطالعات داخلی به ترتیب زمانی می‌توان از بخارایی‌زاده (۱۳۹۷) یاد کرد که به نقش احزاب را در تدوین سیاست‌های عمومی، شکل دادن به افکار عمومی، افزایش آگاهی مردم، انتقاد از حکومت، رقابت سلم سیاسی و حاضر کردن مردم، در صحنه و بالا بردن درک مندی آنها، کم کرن خطر استبداد قوه مجریه، تقویت جامعه مدنی با بزرگ کردن نهادهای ما بین مردم و حکومت، نزدیک کردن افکار به همدیگر، تسهیل حکومت پارلمانی و تضمین دموکراسی از مهمترین کارکردهای احزاب در کشورهای توسعه یافته هستند. همچنین مطالعات غفاری (۱۳۹۶) احزاب سیاسی را ملازم با مردم‌سالاری و حلقه مفقوده و واسطه بین مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی دانسته، ظهیری، (۱۳۹۵) نیز به پدیده اختلاف در عرصه اندیشه و حکومت پرداخته و آن را واقعیتهای در هر نظام فکری و سیاسی دانسته است. میرخیلی (۱۳۹۳) نقش احزاب جهت تاثیرگذاری بر روند قانونگذاری دانسته و این مهم از طریق مشارکت حاصل می‌شود. به صورت مشخص التجایی (۱۳۹۵) به تحلیل اقدامات نهادی- اقتصادی دولت طی چهار دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ پرداخته و میان طیف گسترده دیدگاه‌های موجود در خصوص نقش دولت در اقتصاد، یک دیدگاه میانه که مهمترین اولویت دولت در اقتصاد را ایجاد زیربنای نهادی معرفی می‌کند، دانسته است. تمی (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیده که در ایران، کمتر شاهد ظهور ساخت‌هایی متشکل، نقش‌مند، نهادینه و تأثیرگذار هستیم. احزاب سیاسی در ایران بیش از آنکه بر گرفته از شکاف‌ها و تنوعات اجتماعی در جامعه باشد، بیشتر برآمده از شخصیت‌ها و نگاه دولتی، وابستگی به بیگانگان و جهت‌گیری جناح‌ها در مقابل هم بوده است. زیباکلام و مقتدایی (۱۳۹۳) تقاضای مشارکت سیاسی رو به افزایش است و بدیهی است که شاخصه اصلی توسعه سیاسی به مشارکت سیاسی دانسته‌اند.

چارچوب نظری و مدل تحقیق

این تحقیق به لحاظ چارچوب نظری ترکیبی از مدل «تغییر از درون» نظریه هانتینگتون است و به لحاظ مدل تحلیل ساختاری کارگزار از نظریه آنتونی گیدنز است که در این مدل از نظریات به سیر تحولات تاریخی شکل‌گیری احزاب و رابطه احزاب با توسعه سیاسی و اقتصادی توجه می‌شود سابقه تاریخی احزاب نشان می‌دهد شکل‌گیری آنها ابتدا در قاعده جامعه بوده اما به مرور زمان در دوره پهلوی به سمت دولتی بودن تمایل پیدا می‌کند. این تمایل ناشی از این است که ساختار و کارگزاران دولتی تمایل به تاسیس و کنترل حزب دارند.

بر همین اساس است که مدل تغییر از درون را به طور عمده در دوران پهلوی می‌توان تجربه کرد، این نگرش را دانشجویان هانتینگتون در درون نظام سیاسی دوران پهلوی، این نظریه را اجرایی می‌کردند، منظور از ساختار در این مطالعه ساختار حکومتی است که در رابطه با توسعه اقتصادی مورد مطالعه هستند. هانتینگتون استدلال می‌کند یکی از جنبه‌های کلیدی مدرنیزاسیون؛ مشارکت بیشتر در عرصه سیاست است. بحث ساختار- کارگزار تحت تاثیر تأثیر نظریه آنتونی گیدنز است. بر اساس هدف مقاله مدل بررسی رابطه توسعه اقتصادی و حزب در دوره پهلوی است با دو سازه اصلی حزب و

۱. • Barkan, S. E (1999),

۲. Mc Clurg, S. D (2001)

توسعه مرتبط است و احزاب به دو بخش دولتی و غیر دولتی معرفی می‌شوند و توسعه اقتصادی را در شش برنامه توسعه می‌توان معرفی کرد.

مفهوم شناسی حزب

در ادبیات فارسی حزب به معنی گروه و دسته است. (معین، ۱۳۷۷: ذیل واژه حزب)، حزب و معادل آن در سایر زبان‌ها نیز کاربرد دارد، اندیشمندان علم سیاست، حزب را بر اساس برداشت علمی و تجربی خود تعریف کرده‌اند. حزب در زبان عربی به معنای گروه و جماعتی است که با شور و حماسه از آرمان‌های مشترک خود دفاع کنند. در برخی تعاریف حزب را تجمع گروهی دانسته‌اند که بر اندیشه و هدف واحدی توافق دارند و با جدیت از آن دفاع می‌کنند» در بین تعاریف انجام شده گنل، اشاره به گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته دارد که به عنوان واحد سیاسی دارای ساختار و کارکرد است. همچنین «مک آیور» این مفهوم را برای گردهم‌آبی سازمان یافته در نظر گرفته که در جهت حمایت از برخی اصول یا سیاستهایی که از راههای قانونی می‌کوشند حکومت را بدست گیرند»، در نظر گرفته است (به نقل از عالم، ۱۳۸۲). این تعریف نیز به ساختار و کارکرد اشاره دارد، در تعریف «جیوانی ساتوری» نیز حزب با شاخص‌هایی چون: گروه سیاسی، عنوان رسمی، تلاش برای اشغال پستهای دولتی تعریف شده (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۲۲) که بیانگر ساختار و کارکرد حزبی است. تعریف لئون اپستین^۱ از حزب سیاسی با همان ویژگی‌های ساختاری حتی سازمانی ضعیف و کارکردش معلوم شده (جاسبی، ۱۳۸۹: ص ۴۹). تعاریفی که ادموند برک و «جیل کریست» کرده‌اند با اندکی تفاوت در بکار بردن واژگان مفاهیمی چون سازمان، کارکرد و وحدت رفتار اعضا را انتقال می‌دهد (عالم، ۱۳۷۳، ۳۴۳-۴)، حتی موریس دوورژه، نیز بر نقش اهمیت سازمان و تشکیلات حزبی تأکید می‌کند، منافع و هدفهای نیروهای اجتماعی گوناگونی را مانند: طبقات، واحدهای محلی، دسته‌های نژادی، جماعتی دارای منافع ویژه بیان می‌کنند. وی هدف مستقیم احزاب را به چنگ آوردن قدرت یا اعمال قدرت دانسته است (دوورژه، همان: ۱۶۱). ساموئل هانتینگتون: حزب را در قالب توسعه سیاسی مورد ملاحظه قرار داده و معتقد است متضمن عقلانی شدن اقتدار، تنوع ساختارهای سیاسی و بخصوص گسترش مشارکت است (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۲۸).

- سیر تاریخی و کارکردهای حزب

به لحاظ تاریخی و جغرافیایی حزب و کارکردهای حزبی منتسب به غرب است. در غرب نیز برخی از محققان سابقه حزب را به عهد باستان می‌رسانند، اما در دوره نوین آمریکا تنها کشوری است که به معنای واقعی از حزب برخوردار بود، به طوری که موریس دو ورژه نوشته «در ۱۸۵۰ هیچ کشوری در عالم (به استثنای ایالات متحده آمریکا) دارای حزب سیاسی به معنی نوین کلمه نبود. شاید در بعضی از کشورها، کانون‌هایی برای تبادل نظر و اجتماع مردم یا انجمن‌هایی برای بیان اندیشه‌ها وجود داشت، اما هیچ‌کدام به معنی خاص حزب نبود. یک قرن بعد بود که در اکثر کشورها احزاب سیاسی بوجود آمد (دوورژه، ۱۳۵۴: ۱۳۸). اگر در غرب حزب سیاسی عملاً از ۱۹۵۰ ظهور و فعالیت کرد، در ایران آشنایی با حزب و فعالیت‌های حزبی تقریباً از سال ۱۹۰۰ آغاز شد. این اتفاق در اثر آشنایی تحصیل کردگان در کشورهایی چون فرانسه و انگلیس اتفاق افتاد و در دهه اول قرن بیستم، که انقلاب مشروطیت در ایران به نتیجه رسید آرام آرام گروه‌های همفکر به وجود آوردند و از عنوان حزب استفاده کردند (مدنی، ۱۳۸۹: ۶). امروزه به قول «هانتینگتون» زندگی سیاسی در جوامع غربی در وجود احزاب خلاصه شده و هر کشوری که بخواهد در راه توسعه و پیشرفت گام بگذارد، ناگزیر است احزاب را

^۱ Epstein

بپذیرد (نقیب زاده، ۱۳۶۸: ۱۱). «دیوید اپتر» پا را فراتر گذاشته و اظهار داشته: که احزاب سیاسی در جریان نوسازی همه جوامع معاصر نیروی مهمی را تشکیل می‌دهند و در جریان نوسازی تعیین کننده هستند. (ابتر، ۱۹۶۵: ۱۷۵).

با توجه به تعریف و سیر تاریخی پیدایی احزاب، کارکرد احزاب را می‌توان به صورت آشکار و پنهان معرفی کرد: کارکردهای آشکار حزب مشتمل بر مواردی چون: شکل دادن به افکار عمومی؛ معرفی نامزدها در انتخابات؛ نظم دادن به انتخابات با معرفی نامزدها، سازمان دهی انتخاب‌شوندگان و اعمال نفوذ بر آنها معرفی کرد. همچنین کارکردهای پنهان حزب عبارت از: برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی؛ جذب تازه‌واردان به سیستم؛ مسالمت‌آمیز کردن رقابتهای قدرت‌جویانه، یا مدیریت منازعه که باعث جلوگیری از رقابتهای باندی و در نتیجه کاهش بروز تضادها و فساد سیاسی می‌گردد.

سیر تاریخی فعالیت احزاب در ایران نشان می‌دهد، عمر احزاب در ایران، تقریباً به درازای تاریخ شکل‌گیری نظام مشروطه در ایران است و به اواخر دوران مظفرالدین‌شاه در سال ۱۳۲۲ (ق.ه) نسبت داده‌اند. البته لمپتون این موضوع را به اواخر دوره ناصرالدین‌شاه مربوط می‌داند. اولین انجمن مخفی توسط میرزا ملک‌خان تأسیس شد و در سال ۱۲۷۰ (ق.ه) به دلیل حساسیت دربار و نگرانی روحانیون تعطیل شد (لمپتون، ۱۳۷۷: ۳۹۳) و به فعالیت نیمه‌علنی و مخفی روی آورد. همچنین اولین دوره مجلس شورای ملی، فرصت دسته‌بندی و از اوایل مجلس دوم، در سال ۱۳۲۷ (ق.ه) دو حزب انقلابی و اعتدالی در ایران شکل گرفت (بهار، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۱). نخستین احزاب ایران، اعم از احزاب ملی و احزاب چپ نیز در انجمن‌های مشروطه‌خواه ریشه گرفت (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۸).

احزاب دوره قاجار بیشتر مخفی بودند و با کارکردهای ترور و حذف رقیب بیشتر به فعالیت خود ادامه دادند، اما زمانی که به احزاب سیاسی دوره پهلوی می‌رسیم، با دو نوع حزب سیاسی غیردولتی و احزاب سیاسی دولتی در فرآیند شکل‌گیری مواجه می‌شویم، احزاب سیاسی غیردولتی در مجلس راه نداشتند و یا به اندازه‌ای اندک بودند که کاری از قبل نمی‌بردند و گروه دوم یعنی احزای سیاسی دولتی کسانی بودند که در دولت ریشه داشتند و بعداً اقدام به تشکیل حزب کرده‌اند.

برخی از احزاب اولیه غیردولتی دوران پهلوی ریشه‌های مارکسیستی داشتند، مانند: احزاب توده، پیکار، جنگل، جمعیت رهایی کار و اندیشه، ایران بیدار و همراهان سوسیالیست هستند (آبراهیمیان، ۱۳۸۷: ۳۴۶) مخصوصاً حزب توده تا کودتای ۲۸ مرداد حضور پر قدرتی در صحنه سیاسی ایران داشت و توانست تشکیلات گسترده‌ای در میان روشنفکران و حتی افسران ارتش ایجاد نماید. (زهیری، ۱۳۷۹: ۱۳۹). احزاب مختلفی با مشی مارکسیستی و ملی‌گرایی تأسیس شدند که گاه سریع از صحنه سیاسی حذف می‌شدند و یا از فعالیت خودداری می‌کردند که البته باید به بسته بودن فضای سیاسی به عنوان یکی از موانع توسعه اشاره کرد. احزابی مانند پیکار در ۱۳۲۱ تأسیس شد و در سال ۱۳۲۳ با حزب میهن ائتلاف کرد و یک سال بعد جدا شدند. حزب جنگل در سال ۱۳۲۴ تأسیس شد و تا سال ۱۳۲۶ به فعالیت ادامه داد. برخی احزاب نیز رویکرد ناسیونالیستی داشتند و تنها راه نجات کشور را ملی‌گرایی می‌دانستند. داریوش فروهر مؤسس حزب جبهه ملی که در سال ۱۳۳۶ همراه با عده‌ای دیگر از اعضای حزب به زندان افتادند و اندکی پس از آزادی جبهه ملی دوم را تشکیل داد (اداره کل آرشیو اسناد، ۱۳۷۹: ۱۲۳)، از آن جمله‌اند. جبهه ملی از مهم‌ترین تشکیلات سیاسی ملی‌گرا بود که در اواخر دهه ۱۳۲۰ شمسی به رهبری دکتر مصدق به وجود آمد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۵۲). در سال ۱۳۳۹ شمسی. سران نهضت با

۱. این تاریخ مصادف با سال ۱۲۸۵ شمسی است که ۳۵ سال قبل از شروع سلطنت محمدرضا پهلوی است و حتی ۱۹ سال با روی کار آمدن رضا شاه فاصله دارد.

تشکیل دوباره یک سازمان سیاسی که نام آن را جبهه ملی دوم گذاشتند به توافق رسیدند. این جبهه نیز در بهره‌برداری از فعالیت‌های خود ناکام ماند و در اوایل ۱۳۴۳ منحل شد (کریمی‌مله، ۱۳۷۵: ۴۵).

احزاب دولتی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲ شامل حزب دموکرات ایران، حزب آریا و حزب وطن و اراده ملی می‌شد. حزب دموکرات ایران در ۹ خرداد ۱۳۲۵ به وسیله قوام السلطنه نخست وزیر وقت و با شرکت رجال و اشراف تشکیل شد. (کیانوری، ۱۳۷۲: ۱۳۵، لالوی، ۱۳۸۱: ۳۷) و هدفش مقابله با حزب دموکرات آذربایجان بود. حزب آریا نیز بعد از شهریور ۱۳۲۰ شکل گرفت و به انگلستان متمایل و به دربار وابسته بود که توسط سرلشگر حسن ارفع تشکیل شد. اعضای حزب تمایلات ضد کمونیستی شدید داشتند. این حزب همزمان با حزب توده تاسیس شد و تا زمان کودتا ۲۸ مرداد نیز به فعالیت ادامه داد، بعد از کودتا به تدریج فعالیتش کاسته شد و به پایان عمر خود رسید (فردوست، ۱۳۷۰: ۱۴۱-۱۴۲). حزب وطن در سال ۱۳۲۲ توسط سیدضیاءالدین طباطبایی در مقابل حزب توده بدون گرایش ایدئولوژیک خاصی تشکیل شد (لالوی، ۱۳۸۱: ۳۶). وی در دوره ۱۴ مجلس به وکالت مجلس انتخاب شد و در فروردین ۱۳۲۵ توسط قوام السلطنه نخست وزیر دستگیر شد و پس از آن فعالیت حزب کاهش و سرانجام منحل شد. (همان: ۷۰) حزب مردم در اردیبهشت ۱۳۳۶ شمسی توسط اسدالله علم موجودیت یافت (صارمی شهاب، ۱۳۷۸: ۱۲۴). بنیانگذار آن اغلب چهره‌های علمی و دانشگاهی و شخصیت‌های سیاسی و حکومتی بودند. (لالوی، ۱۳۸۱: ۳۷). حزب در انتخابات سال ۱۳۳۹ موفق به کسب ۴۰ کرسی در مجلس شد (صارمی شهاب، ۱۳۸۷: ۱۲۵). طی سال‌های ۳۹-۴۲ شمسی حزب بسیار منزوی و در سال ۱۳۵۳ با برقراری نظام تک حزبی از میان رفت (همان: ۱۳۳-۱۲۹).. حزب ملیون از احزاب اکثریت و حاکم بود که در ۱۳۳۷ شمسی به تشویق شاه و رهبری منوچهر اقبال در مقابل حزب مردم تاسیس شد. (تربتی سنجان، ۱۳۷۵: ۲۵۷-۲۵۶). اوج فعالیت ملیون در سال ۱۳۳۹ مقارن با انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی بود. حزب ملیون عملاً با برکناری نخست وزیر از میان رفت. (همان: ۱۳۵). حزب ترقی را حسنعلی منصور، جمشید آموزگار و هویدا تشکیل دادند (صارمی شهاب، ۱۳۷۸: ۱۳۴). سازمان حزب بوسیله جمعی از وزرا و رجال دولتی در سال ۱۳۴۰ شمسی تشکیل شد که در واقع پیش درآمد حزب ایران نوین بود که یک سال و اندی بعد توسط همین اعضا ایجاد گشت. (مدیرشانه چی، ۱۳۷۵: ۶۲). حزب دولتی ایران نوین با عمر و گستردگی بیشتر تا تاسیس نظام تک همچنان فعال بود. اعضاء مرکزی حزب را سران حزب ترقی مانند: حسنعلی منصور و هویدا، جمشید آموزگار تشکیل می‌دادند. دبیرکل حسنعلی منصور بود که با ترورش، هویدا نخست وزیر و دبیرکل شد (صارمی شهاب، ۱۳۷۸: ۱۳۶-۱۳۵). این حزب در سال ۱۳۵۳ در حزب رستاخیز ادغام شد.

تفکر ایجاد نظام تک حزبی با هدف پیشگیری از بی‌تفاوتی سیاسی و ایجاد علاقمندی به امور سیاسی در مردم، توسط ایرانیان تحصیل کرده در اروپا مخصوصاً طرفداران ساموئل هانتینگتون استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد مطرح شد. حزب رستاخیز به دستور شاه در روزهای پایانی سال ۱۳۵۳ شمسی تشکیل شد و رهبری کل فعالیت‌های سیاسی را به عهده گرفت و کلیه احزاب در آن ادغام شدند (نوذری، ۱۳۸۰: ۲۰۸). شرکت در این حزب به دستور شاه اجباری و مخالفان می‌بایست یا به زندان یا خارج از کشور می‌رفتند (همان: ۲۱۰).

نقش احزاب در برنامه‌های توسعه پهلوی دوم

قبل از هر چیزی این را باید اذعان داشت که توسعه سیاسی و اقتصادی زیر نظر شاه بوده، همانطور که در مبانی نظری ذکر شد احزاب از بدو پیدایش کنترل می‌شدند تا این که در سال ۱۳۵۳ به نظام تک حزبی تبدیل شدند. در حوزه اقتصادی و برنامه ریزی نیز در سال ۱۳۲۷ قانون سازمانی مستقل برای برنامه‌های عمرانی کشور تصویب شد که سازمان برنامه نام

داشت. کارکرد سازمان تهیه برنامه بود و سازمان پنج برنامه عمرانی از سال ۱۳۲۸ برای پیشرفت و عمران کشور ایران برنامه‌ریزی کرد (بستوک و جونز، ۱۹۸۹: ۹۹).

- در رابطه با نقش احزاب در توسعه اقتصادی برنامه اول عمرانی اجرا شده بین سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ باید گفت که طی این برنامه حزب یا انجمن سیاسی فعالی وجود نداشت و اگر احیاناً گروه یا انجمن فعالی وجود داشت در ساختار رسمی و غیر رسمی از جایگاه قابل‌برخوردار نبود تا دارای کارکرد مثبت و آشکار حزب را ایفا نماید. سه سال پس از اجرای برنامه حزب مردم تشکیل شد. بنابر این در این سال‌ها نقش دولت به عنوان قدرت سیاسی و اقتصادی منشاء بروز تصمیمات سیاسی و اقتصادی بوده است.

- طی برنامه عمرانی دوم که بین سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ اجرا شد، دو حزب در تاریخ سیاسی ایران ظهور کردند که دولتی بودند. ابتدا حزب مردم در سال ۱۳۳۶ توسط اسدالله علم تاسیس شد که اقلیت مجالس بود، این حزب در صحنه سیاسی کشور به علت در اقلیت بودن و زمان تاسیس حزب موثری نبود همانطور که از تاریخ تاسیس حزب معلوم است. زمانی که برنامه دوم اجرا یا طراحی شد، هنوز حزب مردم تاسیس نشده بود. همچنین حزب ملیون که در سال ۱۳۳۷ نیز با تشویق و حمایت شاه و رهبری منوچهر اقبال- نخست وزیر وقت در مقابل حزب مردم تاسیس شد نیز مانند حزب مردم از عنصر تشکیلاتی موثری که بر روند برنامه و شکل‌گیری آن تاثیر مثبت و آشکار داشته باشد، برخوردار نبود، زیرا حزب با برکناری رهبرش از نخست وزیری از بین رفت. اهداف برنامه دوم که عبارت از گسترش و عمران استان خوزستان و تخصیص ۷٪ درآمد نفت برای عمران استان بود، محقق شد (عباسی‌نسب، ۱۳۹۲) علاوه بر آن سد دز خوزستان ساخته شد و سه برنامه کشاورزی، آبیاری و کان‌های معدنی ایران برای پیشبرد اقتصادی کشور در نظر گرفته شد (افخمی، ۲۰۰۹: ۲۱۷).

- برنامه عمرانی سوم برای سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ با بودجه ۲٫۷ میلیارد دلاری تدوین و اجرا شد (ایسای، ۱۹۸۵: ۱۲۹). زمانبندی برنامه پنج ساله بود. وزارتخانه‌ها در برنامه ریزی پروژه‌های اختصاصی مشارکت کردند و برنامه‌ریزی به صورت متمرکز در سازمان برنامه و بودجه نبود، اما بودجه دولت را سازمان برنامه و بودجه که مستقیم زیر نظر نخست‌وزیر بود تعیین کرد. هدف‌های اصلی این برنامه، گسترش سیستم آموزش و پرورش، گسترش کشاورزی و صنعت و اصلاحات ارضی بود (افخمی، ۲۰۰۹: ۲۱۸). در این دوران و کمی پیشتر حزب ترقی در سال ۱۳۴۰ تاسیس شد. همانطور که در سیر تاریخی احزاب ذکر شد، این حزب نیز مقدمه تشکیل حزب ایران نوین بود و تا سال ۱۳۵۳ به فعالیت خود ادامه داد. در سال ۱۳۵۳ در حزب رستاخیز ادغام شد. بنابر این پذیرش تاثیر حزب در نظام اقتصادی و توسعه اقتصادی کشور امری بعید است. زیرا با برکناری اعلم از نخست وزیری، حزبش نیز از بین رفت. به عبارت روشن تر حزب یک شکل صوری بوده است. یکی از اتفاقات مهم این دوره پدیده انقلاب سفید محمدرضا پهلوی است.

- برنامه عمرانی چهارم بین سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ اجرا شده در این برنامه رشد اقتصادی به سالانه ۱۵٪ رسید و با رشد اقتصادی سنگاپور و کره جنوبی برابری می‌کرد (ایسای، ۱۹۸۵: ۱۳۵). در جریان این برنامه حزب ترقی پیشتر راجع به پیدایی آن توضیح داده شد تا پیدایی حزب ایران نوین نیز ۱۳۴۲ تا پایان عمرش که سال ۱۳۵۳ بود و در این سال حزب رستاخیز تشکیل شد و احزاب مذکور در این حزب ادغام شدند. بنابر این شناخت تاثیر حزب ترقی در نظام اقتصادی و توسعه اقتصادی کشور امری بعید است، زیرا موسسان و سران احزاب در حکومت بودند و از کارگزاران دولت محسوب می‌شدند. با اندکی احتیاط حزب ایران نوین را می‌توان در نظام اقتصادی ایران اثربخش دانست زیرا منصور در دوران نخست وزیری منوچهر اقبال، به معاونت وزارت بازرگانی و قائم مقامی دبیرکلی شورای عالی اقتصاد منصوب

شد (مقدم، ۱۳۹۰: ۴۷۳) برنامه‌ی چهارم عمرانی کشور موفق‌ترین برنامه‌ی توسعه‌ی کشور بود. این برنامه در مورد نرخ رشد بخش‌های مهم اقتصادی کشور نسبتاً هماهنگ عمل کرد. نرخ رشد در بخش کشاورزی به ۵,۴ درصد، در بخش صنعت و معدن ۱۴,۷ درصد، در بخش خدمات ۱۳,۱ درصد، در بخش نفت به ۱۴,۵ درصد و رشد هزینه‌های مصرفی به ۱۱ درصد رسید. این برنامه بیشتر به سرمایه‌گذاری در صنایع سرمایه‌بر مانند ذوب آهن، ذوب آلومینیوم و ماشین‌سازی تمرکز داشت!

- برنامه پنجم توسعه اقتصادی با اکثریتی که حزب ایران نوین در مجلس داشت مصوب شد و مراحل اجرایی خود را پیدا کرد. اما سؤال این است که آیا حزب توانست به فعالیت خود ادامه دهد؟ در جواب باید گفت که سیر تحول تاریخی احزاب پیش از انقلاب نشان داد حزب ایران نوین عمرش در سال ۱۳۵۳ پایان یافت و از این تاریخ به بعد نظام تک‌حزبی در ایران حاکم شد که مستقیم زیر نظر شاه بود، به عبارتی بر اساس دستور شاه تشکیل شد. بنابر این برنامه پنجم باید قائل به دو مرحله بود: ابتدا مرحله‌ای است که حزب برنامه را به تصویب رساند، مرحله دوم زمانی است که در نظام تک‌حزبی برنامه توسعه در فرآیند اجرا قرار گرفت. هر چند که در نظام تک‌حزبی تمامی اعضای حزب ایران نوین عضویت داشتند اما به لحاظ شکلی حزب حتی اگر تغییر ماهیت نداده باشد به لحاظ شکلی دچار تغییر و تحول شده است. برنامه عمرانی پنجم بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ اجرا شد. رشد اقتصادی برنامه‌ریزی شده بیش از ۲۶٪ پیش‌بینی شده بود. درآمد ناخالص ملی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ سیزده برابر شد و درآمد سرانه هشت برابر افزایش پیدا کرد (افخمی، ۲۰۰۹: ۳۲۸-۳۲۷). این برنامه از نظر کارشناسان اگر چه با رشد اقتصادی همراه بود اما برنامه‌ای ناموفق تلقی می‌شد. زیرا دخالت‌های سیاسی و فرمایشی ناکارآمد و وقوع دگرگونی در اقتصاد جهانی از عوامل موثر ناکارآمدی برنامه بودند. اگر چه تغییر و اصلاحاتی در برنامه‌ها ایجاد شد اما در پایان، برنامه پنجم برنامه‌ای ناکام لقب گرفت (عباسی، ۱۳۹۷). یکی از اتفاقات دیگر این بود که در سال ۱۹۷۳ که مصادف با سال ۱۳۵۲ بود پس از بروز جنگ یوم کیبور یا جنگ اعراب و اسرائیل، قیمت نفت ناگهان افزایش یافت. این اتفاق موجب شد تا محمدرضا پهلوی در آغاز سال ۱۳۵۳ در رابطه با تطبیق هزینه‌های عمومی با سطح جدید درآمدهای نفتی تصمیم بگیرد. برنامه عمرانی پنجم بازنویسی شد. وزرای وقت خواهان برنامه توسعه‌ای با چهار برابر حجم سرمایه‌گذاری بودند، رئیس سازمان برنامه، مخالف بود. که نهایتاً در کنفرانس رامسر (۱۳۵۳)، شاه جانب ملاحظات سازمان برنامه را گرفت و در نهایت، اجرای این برنامه منجر به بروز بیماری هلندی در اقتصاد ایران شد، ورود ثروت بادآورده نفتی به اقتصاد و افزایش فزاینده هزینه‌های حکومت، منجر به تورم شدید و کاهش تولیدات کارخانه‌ها گشت (بایندر، بی تا، ۹۶-۹۴).

- از احزابی که تا به سال ۱۳۵۳ در لایه‌های از حکومت خود را جای داده بودند و با جایگاه دولتی در خدمت دولت شاهنشاهی بودند، در برنامه ششم تحت لوای نظام تک‌حزبی به دستور شاه همراه شدند و در همان سال حزب رستاخیز تشکیل شد. در این حزب عمدتاً تحصیل‌کردگان آمریکا و از طرفداران ساموئل هانتینگتون بودند، در شرایطی که دوستان حسنعلی منصور به دنبال اصلاحات داخلی بودند، با ورود به نظام تک‌حزبی دو شائبه پیش روی آنها بود. اول این که باید به شاه وفادار بمانند و اصلاحات مدنظر شاه را اعمال نمایند. دوم به اندازه‌ای مورد اعتماد شاه هستند که

^۱ . هفت دهه برنامه ریزی توسعه در ایران»، روزنامه‌ی اطلاعات، تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۲.

^۲ . جنگ یوم کیبور یا جنگ اعراب و اسرائیل ۱۹۷۳ جنگی بود که از ششم تا بیست‌وپنجم اکتبر ۱۹۷۳ میان سوریه، مصر (با حمایت چند کشور عربی دیگر) با اسرائیل اتفاق افتاد. این جنگ با حمله غافلگیرانه مصر و سوریه علیه مواضع نیروهای اسرائیلی در شرق کانال سوئز و ارتفاعات جولان آغاز شد، مناطقی که شش سال قبل در جنگ شش‌روزه به تصرف قوای اسرائیل درآمده بود. حمله در آخرین ساعات یوم کیبور مقدس‌ترین روز در آئین یهودی آغاز شد. روزی که از غروب ۹ مهر ماه آغاز می‌شود و یهودیان در آن روز‌دار هستند. از آن‌جا که این جنگ در ماه اکتبر و ماه رمضان رخ می‌داد به جنگ اکتبر و جنگ رمضان نیز معروف شده است.

می‌توانند ایده‌های خود را به شاه در نظام تک حزبی تحمیل کنند. اما به اندازه‌ای برای هر دو یعنی شاه و طرفداران تفکرات اصلاحی ساموئل هاتینگتون دیر شد که در فاصله نه چندان دور انقلاب اسلامی اتفاق افتاد.^۱

نتیجه‌گیری

- تحزب در ایران طی دوران محمد رضا پهلوی بیش از هر چیز در توسعه سیاسی جای دارد و برای مبارزه در جهت دست یابی به کرسی قدرت سیاسی در مجلس قانونگذاری و قوه مجریه است. احزاب در جامعه به گرایش به سوسیالیسم رشد و توسعه یافتند اما احزابی که با گرایش به ملیت بود یا تحصیل کردگان اروپایی اقدام به تاسیس حزب نمودند با رویکرد رشد و توسعه اقتصادی و به لحاظ سیاسی لیبرال و وطن دوست بودند و به جای مبارزه با قدرت شاه سعی داشتند در مسیر اصلاحات داخلی فعالان باشند.
- شاه بر حسب ظاهر به نظام حزبی پایبند بود اما احزاب را در راستای اهداف خود میخواست، به همین علت تشکیل احزاب و دست یابی آنها به کرسی‌ها تصمیم‌گیری معمولاً با مشورت و زیر نظر شاه انجام می‌شد و به مرور زمان احزاب دولتی به سمت نظام تک حزبی هدایت شدند.
- توسعه سیاسی در ایران مانند توسعه اقتصادی از مواردی بود که تحت نظر شاه انجام می‌شد. به همین علت احزاب چپ به مرور از صحنه سیاسی حذف شدند و احزاب راست و از بین آنها احزاب راست وفادار به شاه مامور به فعالیت بودند.
- برنامه ریزی در ایران دوران پهلوی دوم در چارچوب انقلاب سفید و منشور نوزده ماده‌ای آن و برنامه‌های عمرانی بود که توسط سازمان برنامه و بودجه تدوین می‌شد. به عبارتی نظام برنامه ریزی حزبی نبود بلکه ساختاری کارگزار بود.

منابع

- آبراهیمیان، (۱۳۸۷)، ایران بین دو انقلاب، گل محمدی، تهران: نشر نی.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۸)، مبانی سیاست، تهران: انتشارات توسن
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، مرانامه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران، تهران، نشر تاریخ ایران.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸)، *علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- آلموند، گابریل و دیگران، (۱۳۷۷)، *چارچوبی برای بررسی سیاست تطبیقی*، ترجمه: طیب، علیرضا، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی‌مامور حزبی.
- ایوبی، حجت الله (۱۳۸۸) حزب سیاسی در فرانسه: مهمان ناخوانده ولی بسیار گرامی،: اطلاعات سیاسی اقتصادی ۱۳۸۸ شماره ۲۶۲ حوزه‌های تخصصی علوم سیاسی مطالعات منطقه‌ای منطقه اتحادیه اروپا و اروپای شرقی
- بخارایی زاده سیدمهدی (۱۳۹۷) جایگاه احزاب در کشورهای توسعه یافته، نشریه قانون یار، اطلاعات شماره: بهار ۱۳۹۷، دوره ۲، شماره ۵؛ از صفحه ۲۷۷ تا صفحه ۲۹۴.
- بدیع، برتران، (۱۳۷۶)، *توسعه سیاسی*، ترجمه: نقیب زاده، احمد، تهران: قومی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، *عقل در سیاست سی و پنج گفتار در فلسفه*، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی، تهران: نگاه معاصر.

^۱ . سازمان برنامه و بودجه ایران. تهران، ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ خورشیدی)

- التجایی، ابراهیم (۱۳۹۵) تحلیلی از اقدامات نهادی- اقتصادی دولت طی چهار دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ هـ.ش، دولت پژوهی سال دوم بهار ۱۳۹۵ شماره ۵
- تمی، کامران، (۱۳۹۲) احزاب سیاسی و ثبات سیاسی: تأملی در تاریخ تحزب ایران، پنجمین همایش بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان
- جاسبی، عبدالله، (۱۳۸۹)، احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.
- حاتمی‌عباس (۱۳۹۴) پوپولیسم و کورپوراتیسم در پهلوی دوم: ابزارهایی نرم برای یک اقتدارگرایی سخت؛ جستارهای سیاسی معاصر سال ششم تابستان ۱۳۹۴ شماره ۲ (پیاپی ۱۶)
- حسین عباسی نسب، نگاهی به ۱۰ برنامه توسعه در ایران»، ۲۳ تارنمای تحلیلی آفتاب، آذر ۱۳۹۲. هفت دهه برنامه ریزی توسعه در ایران»، روزنامه‌ی اطلاعات، تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۲
- دوتوکویل (۱۳۷۸) تحلیل دموکراسی در آمریکا، ترجمه رحمت‌الله مراغه‌ای، تهران: زوار
- دولت‌آبادی، هادی و غلامی، محمد تقی، ۱۳۹۸، مفهوم‌شناسی نام‌های احزاب سیاسی از خلال سیر تقابل جناح‌های راست و چپ در جمهوری پنجم فرانسه،،،، سال انتشار: ۱۳۹۸ محل انتشار: فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره: ۱۲، شماره: ۴۵
- دوورژه، موریس (۱۳۵۲)، احزاب سیاسی، ترجمه: علوی، رضا، تهران: انتشارات مؤسسه عالی علوم سیاسی
- راش، مایکل (۱۳۸۸)، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- زهیری، علیرضا، (۱۳۷۹)، عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، تهران: دفتر نشر و پخش معارف.
- زیباکلام، صادق و مرتضی مقتدایی، (۱۳۹۳)، «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، زمستان، شماره ۲۹
- طیرانی، بهروز، احزاب سیاسی ایران، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۸۲.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۴)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ج ۱، تهران، عروج
- قاسمی، مصطفی، (۱۳۸۵: ۱۳۲-۱۱۲): نگاهی به فعالیت احزاب در آمریکا؛ دوفصلنامه انسان پژوهی دینی، دوره ۳، شماره ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۸۵ صفحه ۱۱۱-۱۳۲).
- کاتبی، حسینقلی (بی تا) آذربایجان و وحدت ملی ایران، تبریز: بی نا.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲)؛ مصدق و نبرد قدرت، ترجمه: احمدتدین، ص ۱۵۱
- کریمی مله، علی (۱۳۷۵)، چهل سال جبهه ملی، ص ۴۵، مجله پانزده خرداد، شماره ۲۱.
- کریمی، سحر، ۱۳۹۴: بررسی وضعیت عمومی کشور سوئیس، ماهنامه پژوهشی ملل، دوره اول شماره سوم اسفند ماه ۱۳۹۴
- کیندل، برگر و چارلز پ؛ توسعه اقتصادی (۱۳۵۱)، رضا صدوقی، رشت، مدرسه عالی مدیریت گیلان، ۱۳۵۱، ص ۷.
- لمپتون، ا.ک.س. (۱۳۷۷)، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- لیپست، مارتین. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه: س، ر، ابوالحسنی. تهران: انتشارات توس. چاپ اول.
- محمدی نژاد، حسن (۱۳۵۵)، احزاب سیاسی، تهران: انتشارات امیر کبیر

